

اجازه ندهیم از این وحشت برای دامن زدن به تعصب و کوتاه بینی استفاده شود

برگرفته از نشریه‌ی «کارگر سوسیالیست»

ترجمه: کاوه آهنگر

قتل‌های رعب‌انگیز در دفتر *شارلی ابدو* در پاریس دنیا را در شوک فرو برده است. غلیان احساسات همدردی و همبستگی برای دوازده نفر مقتول – اکثراً ویراستاران، نویسندگان و کاریکاتوریست‌های مجله – و یازده نفر زخمی، گسترده و موجه است.

اما این تراژدی در حال حاضر، به خصوص توسط رهبران قدرت‌مندترین حکومت‌های دنیا، برای سوق دادن نفرت به طرف مسلمان‌ها و توجیه جنگ‌های امپریالیستی و سرکوب دولتی – به نام امنیت ملی – استفاده می‌شود. نیروهای چپ در فرانسه و در سراسر دنیا باید در دفاع از دموکراسی و علیه اسلام‌هراسی و تروریسم حمایت‌شده‌ی دولتی به پا خیزند.

همان‌طور که یک فعال اتحادیه‌ای، که در شب‌زنده‌داری عظیم در شب قتل‌ها حضور داشت، به روزنامه *لیبراسیون* گفت، اتحادیه‌ی او «از آزادی بیان دفاع می‌کند. با این حال ما همچنین این‌جا هستیم که سیاست دولت را محکوم کنیم، که غیرمستقیم مسئول این اعمال است؛ برای مثال جنگ در مالی».

در این زمان، عاملان قتل‌عام به طور قطع شناخته شده نیستند، اما شاهدین گفته‌اند که تیراندازان نقاب‌دار هنگامی که وارد دفتر مجله می‌شدند از عبارت اسلامی «الله اکبر» استفاده کرده‌اند. از *شارلی ابدو* برای انتشار کارتونها و مطالب دیگر در جهت مسخره کردن اسلام، در میان اهداف بسیاری که برای طنز داشت، به شدت انتقاد شده است و حتی تهدید به خشونت شده بود.

هیچ توجیهی برای این تجاوز خونین به روزنامه‌نگاران و کاریکاتوریست‌ها وجود ندارد، حتی اگر برخی از محتوای منتشر شده توسط آن‌ها بسیار توهین‌آمیز و برانگیزاننده بوده باشد. ما در روزنامه‌مان، *Socialist Worker*، به خصوص از کارتونها *شارلی ابدو* که اسلام را با استفاده از کلیشه‌های راسیستی شرم‌آور جناح راست مورد تمسخر قرار می‌دهند، و در همان حین ادعا می‌کنند که با چنین کاری بر ارزش‌های دموکراتیک صحنه می‌گذارند، انتقاد کرده‌ایم.¹

اما *شارلی ابدو* همچنین مسیحیت و دیگر مذاهب را نیز، در کنار باورها و ایدئولوژی‌های سیاسی مختلف از طیف‌های گوناگون مورد تمسخر قرار می‌دهد. ما باید آنچه در این مطالب منتشره مصداقی

¹ . Jonah Birch: [Blaming the Muslim victims in France](#), September 27, 2012

از واپس‌گرایی سیاسی می‌بینیم را به چالش بکشیم؛ اما آن‌ها باید قادر باشند آنچه را که به باور خود در خور به‌ظن کشیدن می‌دانند، بدون ترس از جان و امنیت‌شان منتشر کنند.

اگر این جنایت توسط اسلام‌گراهایی انجام گرفته باشد که به طریقی به گروه‌هایی از قبیل القاعده یا دولت اسلامی عراق و شام (داعش) مرتبط‌اند – همان‌طور که وسیعاً توسط حامیان و منتقدین شارلی/بدو فرض شده است – پس این اقدامی شنیع از سوی مرتجعین سیاسی‌ای است که دگراندیشی را تاب نمی‌آورند، به‌خصوص از جانب هم‌کیشان مسلمان خود. قتل‌های پاریس ضربه‌ای علیه اسلام هراسی نیستند، و خیلی کم‌تر از آن در جهت آزادی ستمدیدگان هستند. در مقابل، آن‌ها مبارزه علیه تعصبات مسلمان‌ستیزی را دشوارتر خواهند ساخت، چرا که راهی برای دولت و جناح راست در جهت برانگیختن حس ترس و نفرت [عمومی] گشوده‌اند.

سنت مارکسیستی، کنش‌های معطوف به تروریسم فردی را رد می‌کند، همان‌طور که انقلابی روس لئون تروتسکی توضیح داد: «آموختن این امر که تمام جنایات علیه بشریت، تمام هتک حرمت‌ها که روح و جسم انسان در معرض‌اند، به عنوان زائده‌ها و تجلی‌های پیچیده‌ی نظام اجتماعی موجود دیده شوند، تا تمام انرژی‌های مان به یک مبارزه‌ی جمعی علیه این نظام هدایت شود؛ این همان جهتی است که اشتیاق سوزان برای انتقام می‌تواند بالاترین ارضای اخلاقی‌اش را در آن بیابد.»

ما همچنین مواضع کسانی را که با بهره‌گیری از قتل‌های پاریس چنین ادعا می‌کنند که کشورهای غربی مانند فرانسه و ایالات متحده درگیر یک «جنگ تمدن‌ها» علیه اسلام ارتجاعی شده‌اند، رد می‌کنیم. خشونت و سرکوب گروه‌هایی مانند داعش با مخالفت میلیون‌ها مسلمان روبرو شده است. به علاوه، حکومت‌های به مراتب قدرتمندتر غرب «متمدن» به مراتب سهم بیشتری در فرآیند تولید خشونت، ترور و مرگ دارند – فرآیندی که طبق یک روال کاملاً عادی تحت نام فداکاری مذهبی یا آرمان‌های دموکراتیک یا هر دوی آن‌ها توجیه می‌شود.

باراک اوباما به سرعت دست‌به‌کار شد تا این حمله‌ی «شروانه و بزدلانه» را محکوم کند. بنا به گزارش‌های منتشر شده، اوباما در یکی از جلسات کاخ سفید چنین گفته است: «این واقعیت که حمله‌ی اخیر به روزنامه‌نگاران، حمله‌ای به مطبوعات آزاد ما بوده، تأکیدی است بر درجه‌ی ترس این تروریست‌ها از آزادی بیان و آزادی مطبوعات.»

پس [باید پرسید] آزادی مطبوعات برای گزارشگر نیویورک تایمز، جیمز رایزن، که در جایگاه شاهد به او دستور داده شد تا منابعش برای روایتی درباره‌ی عملیات مخفی سازمان سیا علیه ایران را نام ببرد چه؟ آزادی مطبوعات برای چلسیا مانینگ یا ادوارد اسنودن – دو افشاگر سپرده شده به زندان نظامی یا رانده شده به تبعید بی‌وطن بابت افشای جنایات جنگی ایالات متحده یا حدود نظارت دولتی «برادر بزرگ» – چطور؟

باراک اوباما و دیگر رهبران حکومت‌های قدرتمند احترامی گزینشی برای آزادی‌های دموکراتیک

دارند. اما با این وجود آن‌ها سعی خواهند کرد که خشم عمومی ناشی از قتل‌های شارلی/بدو و اراده‌ی مردمی برانگیخته شده در جهت محافظت از آزادی مطبوعات و آزادی‌های دیگر را مهار کنند تا از آن‌ها پشتیبان‌های برای اقدامات مخاطره‌آمیز امپریالیستی بسازند؛ از مداخله‌ی فرانسه در افریقا گرفته تا ائتلاف تحت رهبری ایالات متحده برای حمله‌ی هوایی علیه داعش در عراق.

ما می‌توانیم نگاهی به تجربه‌ی یازده سپتامبر در پشت سر بیندازیم تا به یاد بیاوریم که چگونه مرگ تراژیک تقریباً ۳۰۰۰ نفر در ایالات متحده به توجیهی برای یک پروژه‌ی «جنگ با ترور» در سطح جهان و اشغال سرزمین‌های افغانستان و عراق تبدیل شد؛ پروژه‌ای که هزینه‌های انسانی‌اش چندین برابر تعداد افرادی بود که در نیویورک به قتل رسیدند. اکنون در امریکای پسا-یازده‌سپتامبر آزار و اذیت و سرکوب دولتی علیه عرب‌ها و مسلمان‌ها [بخشی از] دستور روز است.

رهبران سیاسی در مقصر قلمداد کردن شبه‌نظامیان اسلام‌گرا برای کشتار شارلی/بدو وقت را از دست نمی‌دهند. اما این مرتجعین فقط در نتیجه‌ی جنگ‌های بی‌پایانی که توسط ایالات متحده در افغانستان، عراق و دیگر کشورهای مسلمان برپا شده‌اند، قدرت گرفته‌اند. اسلام‌هراسی نه تنها از سوی تشکل‌های راست افراطی تقویت می‌شود، بلکه رویکردهای جریان‌ات مسلط سیاسی، از جمله چپ‌میانه، نیز تنها تلخی هر چه بیشتری را در جهت سیطره‌ی قدرتمندترین کشورهای دنیا ایجاد می‌کند.

آن چه برای مبارزه با سرکوب‌های مسلمان‌ستیز در اروپا، ایالات متحده و غرب مورد نیاز است یک چپ بین‌المللی قوی‌تر است که هم از آزادی فعالیت مذهبی بدون آزار و اذیت دولتی، و هم -به همان اندازه- از حق آزادی بیان دفاع کند. دفاع از این حقوق اساسی، باید به یک مخالفت اصولی با امپریالیسم پیوند بخورد؛ از جمله وقتی که امپریالیسم چهره‌اش را در پس یک نیروی رهایی‌بخش علیه داعش و دیگر جریان‌های اسلام‌گرا پنهان می‌کند.

قتل‌های وحشتناک پاریس به عنوان بهانه‌ای برای محدودسازی بیشتر حقوق مسلمانان (علاوه بر محدودسازی حقوق تمام نژادها و مذاهبی که خواهان به‌چالش کشیدن سیاست‌های حکومتی هستند) مورد سوءاستفاده قرار خواهد گرفت؛ هم‌چنان که برای تداوم و تشدید جنگ‌هایی که خاورمیانه را در رنج و هرج و مرج فرو برده‌اند بهره‌برداری خواهند شد.

ما باید با همه‌ی نیروهایی که می‌کوشند با سوءاستفاده از این تراژدی، آن را به دستمایه‌ای برای جنگ و نژادپرستی (راسیسم) بدل کنند مخالفت بورزیم. اقدامات آن‌ها دنیا را برای مردم در هر گوشه‌ی جهان خشن‌تر، خطرناک‌تر و ستمگرانه‌تر خواهد ساخت.

* * *

متن فوق ترجمه‌ای است از مقاله‌ی زیر:

[Don't let this horror be used to stoke bigotry](#)

Socialist Worker, January 8, 2015